

# امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

مستطیل: ۶۰ دقیقه / صبح ۱۰ / شماره: ۱۴

رشته مطالعات زمان ۹۸

شماره یا نام مصحح اول	نمره عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۹۸۱/۱۶
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۱۰/۲۵
عنوان:	اصول ۱
کتاب:	حلقه ثالثه
محدوده:	جزء اول: درس ۳ تا ۱۶ (ص ۸۷-۲۲) و درس ۲۲ تا ۲۴ (ص ۱۲۶-۱۱۳) (از الحکم الشرعی و تقسیماته تا الدلیل الشرعی اللفظی و از الامر و ادوات الطلب تا الاطلاق و اسم الجنس)
حدقیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرسه علی: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

۱- آیا بنا بر مبنای محقق خوبی<sup>(ه)</sup> دو حکم ظاهری و اصل متفاوت، تنافی دارند؟ چرا؟ ص ۴۱

- الف. نعم - لانّ احدهما ینجزّ والآخر یومّن
- ب. لا- لانه یمكن امتثال کلّیهما تخییراً
- ج. نعم - لانه لیس لهما مبادی اصلاً
- د. نعم - لانّ الاعتبار لقلیل المؤمنة

۰/۵

۲- موضوع در «قضیه حقیقه» کدام است؟ ص ۴۶ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳)

- الف. ذوات یترتب علیها الحکم
- ب. وصف کلی یفترض وجوده
- ج. وصف جزئی محقق وجوده
- د. الذوات الخارجیة المقدره

۳- اگر «خبر محتمل الحجیة» بر حکمی قائم شود، در چه صورتی برای احتمال حجیت، اثری مترتب است؟ ص ۶۹ و ۷۰ (مسابقات علمی کشوری ۹۳-۹۲) (امتحانات متمرکز مجدد ۹۴-۹۳)

۰/۵

- الف. پذیرش قاعده قبح عقاب بلا بیان
- ب. انکار قاعده قبح عقاب بلا بیان
- ج. اثبات برائت شرعی
- د. اثری ندارد مطلقاً

۴- قائلین به وضع صیغه امر برای «النسبة الارسالیة الناشی من داع لزومی» چه دلیلی بر ادعای خویش اقامه می کنند؟ ص ۱۱۴ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳) (امتحانات متمرکز شهریور ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. اصالة الحقیقة
- ب. اصالة الظهور
- ج. نص اللغیین
- د. التبادر

۵- دو قسم حکم وضعی را با مثال نوشته، چرا جعل استقلالی برای قسم دوم استحاله دارد؟ توضیح دهید. ص ۲۲ و ۲۳

جواب: حکم وضعی بر دو قسم است: ۱. صورتی که حکم وضعی موضوع برای حکم تکلیفی قرار گیرد مانند زوجیت که موضوع برای وجوب انفاق است. ۲. صورتی که حکم وضعی منتزع از حکم تکلیفی باشد مانند جزئیت سوره که از امر مرکب به واجب انتزاع شده است. جعل استقلالی برای قسم دوم استحاله دارد زیرا حکم وضعی قسم دوم انتزاعی است مانند جزئیت که از جعل امر به مرکب، جزئیت انتزاع می شود به عبارت دیگر جزئیت برای واجب از امور انتزاعی واقعی است و تا زمانی که جزئیت امری واقعی باشد، جعل آن با تشریع و اعتبار امکان ندارد.

۶- عبارت: «و لو اتفق حقاً أنّ المولی أحسّ بأنّ من مصلحته أن يجعل الوجوب علی فعل بدون أن یكون مهتماً بوجوده إطلاقاً، و إنّما دفعه إلى ذلك وجود المصلحة فی نفس الجعل، كما إذا كان ینتظر مكافأة علی نفس ذلك من شخص اقول: لو اتفق ذلك حقاً فلا اثر لمثل هذا الجعل...» را تبیین کرده، شهید صدر<sup>(ه)</sup> در صدد نقد چه دیدگاهی است؟ ص ۳۳

۲

جواب: شهید صدر<sup>(ه)</sup> در صدد نقد کلام محقق خوبی<sup>(ه)</sup>: «انّ مبادی الحکم الاظهاری فی نفس جعله» هستند (۰/۵ نمره) و می فرماید: فرض کنیم که مولا احساس کند که خود جعل وجوب بدون اهتمام به وجود متعلق، مصلحت دارد چنانچه مولا در ازای جعل لفظی، انتظار جایزه ای از شخصی داشته باشد و برای او امتثال مهم نباشد، شهید<sup>(ه)</sup> می فرماید: بر فرضی که چنین جعلی محقق شود اثری برای چنین جعلی مترتب نیست و عقل حکم به امتثال نمی کند در نتیجه فرض اینکه احکام ظاهری ناشی از مبادی در خود جعل هستند در حقیقت جدا کردن آنها از حقیقت حکم است. (۱/۵ نمره)

۷- مرحوم نایینی<sup>(ه)</sup> فرق اماره و اصل محرز و غیر محرز را چه می‌داند؟ توضیح دهید. ص ۳۸

۲

جواب: تفاوت اماره و اصل بر اساس مجعول در حکم ظاهری است، مجعول در اماره طریقت و کاشفیت است و لکن مجعول در اصل، انشاء وظیفه عملیه است و اگر این انشاء وظیفه عملیه به لسان تنزیل مودّای اصل به منزله واقع باشد یا تنزیل خود اصل یا احتمال مقوم آن به منزله یقین در این صورت اصل عملی محرز است و اگر فقط در مقام انشاء وظیفه عملیه باشد، اصل عملی غیر محرز است و این یعنی فرق بین اصول و امارات ناشی از کیفیت ساختار حکم ظاهری در عالم جعل و اعتبار است.

۸- دلیل مشهور بر «عدم امکان ردع شارع از عمل به قطع» را تبیین کرده، اشکال شهید صدر<sup>(ه)</sup> را به اختصار بنویسید. ص ۵۴ (امتحانات

۲

تکمیلی شهریور ۹۲-۹۱)

جواب: اگر مکلف قطع به تکلیفی پیدا کند عقل معصیت آن حکم را قبیح می‌شمارد و اگر مولا ترخیص کند در حقیقت ترخیص در معصیت است که قبیح است و از شارع حکیم قبیح محال است. (۱ نمره) اشکال شهید صدر<sup>(ه)</sup>: متناقض بودن ترخیص مولا با حکم عقل [قبیح ترخیص تکلیف قطعی] فرع این است که حق الطاعة متوقف نباشد بر عدم ورود ترخیص از جانب مولا ولی حق الطاعة متوقف است بر عدم ورود ترخیص [البته به دلیلی دیگر این ترخیص در تکالیف قطعی امکان ندارد]. (۱ نمره)

۹- عبارت «إذا كان القطع مأخوذاً بما هو كاشف تام فلا يكفي مجرد اكتساب الأمانة صفة المنجزية و المعذرية من دليل الحجية لقيامها مقام القطع الموضوعي فلا بد من عناية اضافية في دليل الحجية و قد التزم محقق النایینی<sup>(ه)</sup> بوجود هذه العناية بناءً على ماتبناه من

۲

مسلك الطریقیة» را توضیح داده، عنایت اضافی در نظر محقق نایینی<sup>(ه)</sup> چیست؟ ص ۸۲ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۷-۹۶)

جواب: گاهی قطع در موضوع دلیل شرعی اخذ می‌شود منتهی قطع از این جهت که کاشف تام است در دلیل اخذ شده نه از این جهت که منجز و معذر است. در چنین مواردی آیا می‌توان از دلیل حجیت اماره که منجز و معذر قرار داده است این نکته را فهمید که اماره جایگزین این قطع موضوعی نیز می‌شود یا نه؟ شهید صدر<sup>(ه)</sup> می‌فرماید نمی‌توان چنین برداشت کرد. بله، اگر قرینه‌ای در کار باشد و عنایت اضافه‌ای در دلیل حجیت موجود باشد می‌توان نتیجه گرفت که جایگزین قطع موضوعی مذکور می‌شود.

عنایت اضافی: مرحوم نایینی معتقد است آنچه از دلیل حجیت اماره می‌فهمیم این است که اماره بمنزله علم و طریق تام به واقعه و کاشف صد درصد اعتبار شده است. و لذا اماره مصداق تعبدی قطع است.

۱۰- با توجه به دو مبنا (وضع و اطلاق) در دلالت «امر» بر وجوب، «اوامر استحبابی» را توجیه کرده، ثمره دو مبنا را در صورتی که اوامر متعدد در سیاق واحد صادر شوند و شخص بداند که اکثر آنها استحبابی‌اند را بررسی نمایید. ص ۱۲۰ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۲

جواب: اگر دلالت امر بر وجوب را ناشی از وضع بدانیم، در این صورت اوامر استحبابی مجاز و نیازمند قرینه‌اند و در صورت اوامر متعدد و علم به استحبابی بودن اکثر آنها، ظهور باقی بر وجوب منعقد نمی‌شود زیرا مخالف ظهور سیاق واحد است [به عبارتی سیاق قرینه بر مجاز است] و اگر دلالت امر بر وجوب را ناشی از اطلاق بدانیم، در این صورت اوامر استحبابی، تقیید اطلاق است و در صورت اوامر متعدد و علم به استحبابی بودن اکثر آنها، وجوب در مابقی ثابت است زیرا تفکیک بین اوامر به معنی تغایر مدلولی نیست بلکه دارای معنای واحد هستند ولی برخی مطلق و برخی مقید هستند.

« سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۳۱۴۴۳۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

« در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»